

«گفتارهایی درباره رشته علوم قرآن و حدیث» منتشر شد



مهر: کتاب «گفتارهایی درباره رشته علوم قرآن و حدیث»، مجموعه گفتارهایی درباره رشته علوم قرآن و حدیث است که توسط جمعی از نویسندگان به رشته تحریر درآمده است. کتاب از ۹ فصل به این شرح تشکیل شده است: در فصل اول با عنوان «شکل‌گیری رشته علوم قرآنی در نظام دانشگاهی ایران» در مورد اهمیت و عظمت قرآن،

شکل‌گیری رشته علوم قرآنی در ایران، ضرورت مراجعه به علوم قرآنی برای فهم قرآن و مطهری قرآنی بحث شده است. در فصل دوم با عنوان معرفی گرایش علوم قرآن و حدیث پیرامون ضرورت وجود رشته علوم قرآن و حدیث، سطوح مختلف کتاب‌های هر علم و اهمیت دروس عمومی و پیشنهادهای مطالعاتی برای این مقطع، در مورد اهداف مقطع کارشناسی، تعمیق سطح دانش، آشنایی با ساختار رشته تحصیلی، یادگیری راه‌های توسعه معرفت و توصیه‌هایی در مورد یادگیری راه‌های توسعه معرفت بحث و بررسی شده است. در فصل چهارم با عنوان «نقش علوم قرآنی در فهم قرآن کریم» پیرامون تعاریف مختلف «علوم قرآنی»، اسباب نزول و نقش آن در فهم قرآن، مسأله جمع قرآن و نقش آن در فهم قرآن و نقش علم مکی و مدنی در فهم قرآن بحث شده است. در فصل پنجم با عنوان «جایگاه علوم قرآنی در نظام دانش بشری» در مورد پراکندگی علوم قرآنی، جایگاه علوم قرآنی در نظام دانش بشری، حیطه‌های علوم قرآنی، ضبط و نقد متن، فهم و تفسیر متن، دانیای‌های زبان‌شناختی، دانیای‌های تاریخی، توصیف و طبقه‌بندی متن، علوم پیرامونی و ماهیت دونظامه علوم قرآنی بحث شده است. در فصل ششم با عنوان «ماهیت و ساختار علوم قرآنی» در مورد تاریخچه علوم قرآنی، منشا پیدایش علوم قرآنی، شکل‌گیری اصطلاح علوم قرآنی، رابطه علم‌القرآن و علوم القرآن، دسته‌بندی موضوعات علوم قرآنی، شاخه‌های علوم قرآنی مربوط به محتوای قرآن، موضوعات خارج از قرآن درباره قرآن، رشته‌های میان‌رشته‌ای و لزوم شکوفایی دوباره علوم قرآنی بحث شده است. در فصل هفتم با عنوان «کوشش‌های نسل‌های پیشین در رشته علوم قرآنی در نظام دانشگاهی ایران تا زمان حاضر» در مورد شکل‌گیری نظام دانشگاهی در ایران، نسل‌های دانشگاهی ایران، قرآن‌شناسی، تفسیر، ترجمه، احکام‌القرآن و روش‌شناسی فهم عمومی قرآن به بحث و بررسی پرداخته شده است. در فصل هشتم با عنوان «علوم قرآن و حدیث، چستی و چرایی» پیرامون لزوم صدرنشینی علوم قرآنی به یاری فعالیت‌های پژوهشی، عدم منافات احترام به پیشگوتان با نقد و بررسی یافته‌های آنها، لزوم طرف کردن خط بین قرآن خوانی و علوم قرآنی و خلط بین کمیت و کیفیت در تعیین ارتقای رشته علوم قرآن و حدیث بحث شده است. در فصل نهم با عنوان «ساختار پایان‌نامه‌های رشته علوم قرآن و حدیث و خلاصه پژوهشی» در مورد طبقه‌بندی موضوعی پایان‌نامه‌های علوم قرآن و حدیث و حوزه‌های کمتر کارشده بحث شده است. همچنین پیشنهادهایی برای تحقیق و پایان‌نامه‌نویسی و پیشنهادهایی کلی برای رشد پژوهش ارائه شده است. «گفتارهایی درباره رشته علوم قرآن و حدیث» تالیف جمعی از نویسندگان به همت انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) به بهای ۴۰۰۰ ریال منتشر شد.

تاریخ و اندیشه

ساختار کلیسای کاتولیک واستغفای پاپ در گفت و گو با دکتر بخشعلی قنبری

پاپ‌ها خطاناپذیر نبودند



سجاد صداقت

همان‌گونه که مستحضر هستیید، در روزهای گذشته استغفای پاپ بندیکت شانزدهم، مهم‌ترین خبر برای مسیحیان کاتولیک دنیا و به‌خصوص کلیسای کاتولیک و واتیکان بوده است. اجازه دهید به‌عنوان اولین سوال بحثی داشته باشیم درباره ساختارهای کلیسای کاتولیک و جایگاه پاپ در آن ساختار کلیسا و جایگاه پاپ چه تاریخچه‌ای دارد و چگونه تبیین می‌شود؟

برای پاسخ به این سوال لازم است مقدمه‌ای را عرض کنم. کلمه کلیسا در لغت به معنای محل اجتماع است. از زمانی که واژه کلیسا مطرح شد، در زبان‌های مختلف متعددی داشت. مثلا در زبان یونانی می‌گفتند «کریاک» یعنی وابستگی به «کریوس» که کریوس را خدا می‌گفتند. در مسیحیت این واژه به معنای خانه یا جامعه خدا مطرح شد. از زمانی که این واژه وارد زبان رومی شد، آن را با نام «کلیسیا» به کار بردند. «کلیسیا» نهایتا شامل اجتماعاتی می‌شد که مسیحیان نخستین آن را تشکیل می‌دادند. در آن زمان کلیسا معنای امروزی نداشت. بعدا با استناد به سخن حضرت عیسی به پطروس - نام اصلی پطروس شمعون است که در ادبیات مسیحی پیتر خوانده می‌شود و با ورود به زبان عربی پطروس گفته می‌شد - که به او گفته بود صخره خانه خدا خواهی شد، او اولین مجمع یهودیان را در اورشلیم بنا نهاد. به این صورت مسیحیان مجمعی پیدا کردند که بعدها به آن کلیسا اطلاق شد. به تدریج کلیسا در قرن اول مسیحیت جایگاه خود را پیدا کرد و کلیساهای مختلفی در نقاط گوناگونی تأسیس شد. در همین زمان بود که مقام‌های کلیسایی نیز طرح شد منتها آنها را به‌عنوان مقام به کار نمی‌بردند بلکه آنچه در کلیسا مطرح می‌شد، واژه «خدمت» بود یعنی کسانی که به کلیسا خدمت می‌کنند و می‌گفتند اینها باید صاحب خدمت شوند. در مسیحیت برخلاف اسلام واژه خدمت کاربرد زیادی دارد مانند خدمت به کلیسا یا خدمت به خدا در حالی که ما در اسلام به جای خدمت به خدا، عبادت خدا را به کار می‌بریم. حتی کلمه کشیش در آن زمان چندین جایگاه نداشت و به جای این کلمه که بعدها رایج شد، پرس پیتر، ادتر. و را به کار می‌بردند. با گذر زمان، رواج واژه‌های تازه، واژه Priest را به کار می‌بردند که معنای خدمت را با خود داشت. از همان زمان جایگاه افراد مشخص شد. در راس اینها اسقف بود. پس از آن نیز شمامه‌ها، کشیش‌ها، معلم‌ها یا مربی‌ها و واعظان قرار داشتند. منتها تا این زمان ما با کلمه «پاپ» سر و کار نداریم. پاپ اولین بار از قرن پنجم مطرح شد. تا آن زمان مطرح‌ترین چهره‌های کلیسا اسقف‌ها بودند. از قرن پنجم به بعد با توجه به اختلافاتی که بین شرق و غرب به وجود آمد، کلمه پاپ را به کار بردند که در زبان‌های لاتین به معنای پدر است و اولین پاپ یا اساسی‌ترین و حقیقی‌ترین پاپی که در مسیحیت به کار رفت، «پاپ لئو اول» است که از سال ۴۴۰ تا ۴۶۱ منصب پاپی را برعهده داشت. او الهی‌دان و حقوقدان بود و به‌عنوان کشیش و واعظ متعصب و به‌عنوان سیاستمدار در کلیسا نقش ایفا می‌کرد. بنابراین منصب پاپ پس از جدایی شرق و غرب در همین قرون یعنی قرون چهارم و پنجم و شرق و غرب از هم جدا شد و شرق به مرکزیت قسطنطنیه و غرب به مرکزیت رم بود، و به وجود آمد. رواج این اصطلاح نیز در دنیای مسیحی نیز از قرون دهم و یازدهم بود که شرق و غرب به‌طور رسمی از هم جدا شدند و در م توافق افتاد. به تدریج هم جایگاه پاپ چنان اعتباری پیدا کرد که گفتند پاپ جانشین عیسی مسیح(ع) در روی زمین است و از عصمت برخوردار و خطاناپذیر است. حتی ادعا کردند که هیچ کسی جز خدا

استغفای پاپ بندیکت شانزدهم نه تنها لزوماً عظیم به جان کلیسای مسیحی انداخت که کل جهان اندیشه را مشغول این پرسش کرد که این عمل از چه اندیشه‌ای منشا می‌گیرد و آینده آن چگونه خواهد شد. ۶۰۰ سال از آخرین استغفای پاپ در کلیسای کاتولیک می‌گذرد و حال یوزف رایتزنگر دوباره این رسم را زنده کرده است. دکتر بخشعلی قنبری، عضو هیات‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی در گفت‌وگو پیش‌رو تاریخ و ساختار کلیسای کاتولیک و نقش پاپ‌ها در آن را واکاوی می‌کند و ضمن بیان تحلیلی از آنچه در اعصار گوناگون بر کلیسا گذشته است، نگاهی هم به سرمنشاهای احتمالی استغفای پاپ بندیکت شانزدهم دارد. گفت‌وگو فرهیختگان با دکتر قنبری را در حالی در ادامه خواهید خواند که این استاد دانشگاه معتقد است کلیسا و واتیکان این بحران را با تجربه ۵۰ سال دولت‌داری، مدیریت خواهند کرد.

۱۹۹۵ فساد اخلاقی برای ۲۵۰۰ کشیش در آمریکا لاتین به وجود آمد و پاپ ژان پل دوم پیام تسلیت داد. می‌خواهم تأکید کنم فقط یک علت نمی‌تواند عامل استغفا باشد بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده است و گرنه ما باید شاهد می‌بودیم که پاپ‌های زیادی استغفا می‌دادند. در قرن ۱۳ و ۱۴ در ایتالیا پاپی وجود دارد که در زمان او نظام پاپی کلافا شد و خاتم عارفی به نام «کاترین سینیای» که از بزرگ‌ترین عرفای کاتولیک است به‌رغم آنکه سن زیادی هم نداشت نامه‌هایی در این باره نوشته که الان هم موجود است. او نوشته فساد کلیسا را دربر گرفته است و پاپ برخی از افراد را از مناطق‌شان اخراج کرده و کنار گذاشته است. ببینید! با اینکه پاپ سعی می‌کند دوباره اخلاقی را در کلیسا حاکم

می‌خواهم به پیش از سال ۲۰۰۵ بازگردم. ما سال‌ها با پاپی طرف هستیم به اسم پاپ ژان پل دوم که یک چهره به‌شدت مطرح و تأثیرگذار در جهان کاتولیک است. در زمانه‌ای که حتی بیماری پارکینسون هم با او همراه است اما مشاهده می‌کنیم که همچنان در منصب خود می‌ماند و تا زمان مرگش نیز کارآمدی خود را از دست نمی‌دهد. اما از سال ۲۰۰۵ با یک پاپ تازه روبه‌رو می‌شویم که قرار است جانشین ژان پل دوم باشد به اسم پاپ بندیکت شانزدهم. نوع کار و فعالیت او را در این سال‌ها چگونه می‌بینید و اتفاقاتی که افتاده تا به استغفای پاپ بندیکت شانزدهم منجر شود را در اثر چه مسأله‌ای می‌دانید؟



واقعیت این است که نه تنها بندیکت شانزدهم بلکه تمام پاپ‌ها و اسقف‌ها چنین دینی، نه تنها نسبت به اسلام بلکه نسبت به تمام ادیان دارند. این واقعیت است که در طول تاریخ برخلاف حرف‌هایی که زده می‌شود مسیحی‌ها اگر شما خشونت را از تاریخ کلیسای کاتولیک کم کنید، فکر نمی‌کنند چیزی از آن باقی بماند

کند اما در آن روزگار هم استغفا نمی‌دهد. باز هم تأکید می‌کنم من از جزئیات اینکه در درون واتیکان چه اتفاقی افتاده است که پاپ استغفا داده است، خبر ندارم ولی به نظر می‌رسد حوادثی که رخ داده صرفاً معلول یک علت نباشد. شاید بتوان گفت یکی از عللی که باعث می‌شود پاپ چنین واکنشی نشان دهد و کنار بکشد آشنایی این پاپ با غفلت‌های پاپ‌های قبلی است. چه بسا پاپ بندیکت شانزدهم به تأثیرپذیری از شورای واتیکان دوم و نقدهایی که آنها نسبت به این شورا و بدعت‌های پاپ‌های پیشین حتی به صورت کمرنگ انجام داده بودند، با این استغفا نقدهایش را مطرح کرده است.

در تاریخ پاپ‌ها داستانی داریم که هانس کونگ، الهی‌دان بسیار برجسته مسیحیت و یکی از مخالفان برجسته عصمت پاپ‌ها در کتاب خود با عنوان «تاریخ کلیسای کاتولیک» به آن اشاره می‌کند. او می‌گوید شورای واتیکان دوم به مسیحیت و انسانیت و اخلاق خیانت کرد. همچنین شورای واتیکان اول را که در سال ۱۸۶۹ و ۱۸۷۰ تشکیل شد متهم به خیانت می‌کند. کونگ می‌گوید در شورای واتیکان دوم چند خیانت صورت گرفت و یکی از آنها این بود که شورا در برابر جنایت‌هایی که هیتر انجام داد سکوت پیشه کرد و هیچ اقدام و واکنشی انجام نداد. هانس کونگ در آن زمان پاپ ژان پل دوم در سال

۱۹۹۵ فساد اخلاقی برای ۲۵۰۰ کشیش در آمریکا لاتین به وجود آمد و پاپ ژان پل دوم پیام تسلیت داد. می‌خواهم تأکید کنم فقط یک علت نمی‌تواند عامل استغفا باشد بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده است و گرنه ما باید شاهد می‌بودیم که پاپ‌های زیادی استغفا می‌دادند. در قرن ۱۳ و ۱۴ در ایتالیا پاپی وجود دارد که در زمان او نظام پاپی کلافا شد و خاتم عارفی به نام «کاترین سینیای» که از بزرگ‌ترین عرفای کاتولیک است به‌رغم آنکه سن زیادی هم نداشت نامه‌هایی در این باره نوشته که الان هم موجود است. او نوشته فساد کلیسا را دربر گرفته است و پاپ برخی از افراد را از مناطق‌شان اخراج کرده و کنار گذاشته است. ببینید! با اینکه پاپ سعی می‌کند دوباره اخلاقی را در کلیسا حاکم می‌خواهم به پیش از سال ۲۰۰۵ بازگردم. ما سال‌ها با پاپی طرف هستیم به اسم پاپ ژان پل دوم که یک چهره به‌شدت مطرح و تأثیرگذار در جهان کاتولیک است. در زمانه‌ای که حتی بیماری پارکینسون هم با او همراه است اما مشاهده می‌کنیم که همچنان در منصب خود می‌ماند و تا زمان مرگش نیز کارآمدی خود را از دست نمی‌دهد. اما از سال ۲۰۰۵ با یک پاپ تازه روبه‌رو می‌شویم که قرار است جانشین ژان پل دوم باشد به اسم پاپ بندیکت شانزدهم. نوع کار و فعالیت او را در این سال‌ها چگونه می‌بینید و اتفاقاتی که افتاده تا به استغفای پاپ بندیکت شانزدهم منجر شود را در اثر چه مسأله‌ای می‌دانید؟

واقعیت این است که نه تنها بندیکت شانزدهم بلکه تمام پاپ‌ها و اسقف‌ها دید و اظهار نظر تندی نه‌تنها نسبت به اسلام بلکه نسبت به تمام ادیان دارند. این نکته را هم عرض کنم مسیحیت یک دین اخلاقی و عرفانی است منتها این دین را شورای مسیحیت بدل کرده به دینی که حافظ منافع یک طبقه شده است. در طول تاریخ مسیحیت کاتولیکی، برخلاف پروتستانتیسم که آنها مرجعیت را به کتاب مقدس می‌دهند، مرجعیت با شوراهاست و شوراها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند. شوراها می‌توانند عقیده‌های پاپ‌ها را ملغی اعلام کنند یا به وجود بیاورند که یک مسیحی باید به آن معتقد شود. شاید این دلایل باعث شده است که بندیکت شانزدهم برخلاف روحه حداقل ۶۰۰ سال اخیر که من می‌گویم برخلاف رویه کلی کاتولیک، استغفا دهد. اگر در گذشته پاپی استغفا می‌کرد مجبور به این کار می‌شد. این نوع استغفا و کیفیت آن در طول تاریخ کاتولیک بی‌نظیر است اما علت و جزئیات آن در گذر زمان باید مشخص شود.

این استغفا چه تأثیری در اعتقاد به عصمت کلامی پاپ به وجود می‌آورد؟

قطعا مسأله تأثیرگذاری خواهد بود. چون اگر پاپ‌ها رسماً اعلام کرد که پاپ‌ها خطاناپذیرند البته بعدها آشکار شد که پاپ‌ها نه‌تنها خطاناپذیر نبودند بلکه خطاهای عظیمی هم انجام دادند و این برای کل کلیسا کاملاً محرز شده است. به نظر می‌رسد به لحاظ کلامی تأثیر مسلمی داشته باشد

خطاب‌پذیری و عدم عصمت پاپ بود باعث شد که پاپ ژان پل ششم، کونگ را رسماً از کلیسا بیرون کند. عصمت پاپ در طول برهه‌های مختلف زیر سؤال رفته است و این استغفا شاید آن نظریه هانس کونگ را بیشتر تقویت کند و چون اصلاً پاپ مجاز نبود که استغفا دهد اگر عصمت داشته، این مجوزی برای عدم عصمت آنها می‌تواند باشد.

این مسأله در سنت کلاسیک مسیحیت وجود داشته یا اینکه متصور این